

تحلیل جامعه‌شناختی جنبش سیاهان آمریکا بر اساس دیدگاه نظری بسیج منابع و رفتار جمعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

کد مقاله: ۷۴۵۲۰

حسین عباسی اقدم^۱

چکیده

نوشتار حاضر مروری بر سیر تاریخی شکل‌گیری جنبش سیاهان، زمینه‌های شکل‌گیری جنبش، اهداف جنبش و معرفی رهبران جنبش خواهد داشت. پارامترهای مورد بررسی در واقع تحلیل نظری جنبش سیاهان است که بر اساس نظریه‌های مطرح شده، جنبش سیاهان را تجزیه و تحلیل کرده و نوع آن با توجه به انواع جنبش مشخص شود و از طرفی برآیند این جنبش را با توجه به چارچوب آن مورد بررسی قرار داده و تشریح شود.

واژگان کلیدی: جنبش، سیاهان، آمریکا، تبعیض نژادی، فرصت سیاسی

۱- مقدمه

جنبش یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی است که در سطح جوامع بین‌المللی به اشکال و صور مختلف، سطوح، شدت و قدرت متفاوت و به دلایل خاص که در نهایت، منجر به تغییر، تحول و دگرگونی در دو شکل ساختار و عناصر در مقوله‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی (مذهبی) می‌شود. جنبش با توجه به تأثیرات عمده‌ای که در هر جامعه می‌گذارد زمینه‌ساز تغییرات خاص و قابل توجهی خواهد بود که این تغییرات ممکن است در ساختار یا عناصر آن جامعه صورت پذیرد. جنبش انواع گوناگونی دارد که می‌توان از آن نام برد، آنچه که از مفهوم این واژه بر می‌آید، صرف نظر از معرفی تخصصی انواع جنبش‌ها از نقطه نظرات نظریه پردازان و تحلیل‌گران سیاسیبه طور کلی در انواع مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و اقتصادی قابل توجه می‌باشد و از طرفی اصطلاحاتی چون انقلاب، کودتا، شورش و اصلاحات در زمره مفاهیم مهم انواع جنبش قرار می‌گیرد که در نهایت امر به تغییرات اساسی و عمده در سطح جوامع می‌انجامد. نکته قابل توجه این است که ماهیت جنبش تأمین خواسته‌ها، نیازها و تعهدات زندگی اجتماعی افراد در جوامع است و در صورت عدم تأمین آن این اتفاق رخ داده و در صد تغییر رویه در نظام مدیریتی یا سیستم حاکمیتی در قالب سیاست‌گذاری‌ها، استراتژیها و برنامه ریزی‌های کلان خواهند بود. در نوشتار زیر به پدیده جنبش سیاهان پرداخته خواهد شد که تاریخچه، زمینه شکل‌گیری و وقوع جنبش، شناسائی رهبر جنبش، اهداف جنبش و مواردی از این قبیل به تفصیل شرح داده می‌شود.

۲- بیان مسئله

در ابتدا به تعریفی از جنبش اشاره می‌شود؛ جنبش حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام، برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقشه معین است که می‌تواند انقلابی یا اصلاحی باشد (آقا بخشی، علی و مینو افشاری، ۱۳۷۹؛ ۳۶۹). جنبش سیاهان آمریکا یا امریکائیه‌های افریقائی تبار، یکی از جنبشهای بسیار مهم و تاریخی در جامعه آمریکا به حساب می‌آید و اهداف منطقی و قابل توجه انسانی یا بشردوستانه‌ای را به دنبال داشته است. مهم‌ترین مؤلفه مورد اشاره در این جنبش، سیاه بودن رنگ پوست مردان افریقائی است که زمینه تبعیض، جدا انگاری و تفاوت قائل شدن در میان آنان با دیگر افراد در جامعه آمریکا شده است. طی انتشار خبر در خبرگزاری صدا و سیما به گزارش اداره آمار آمریکا جمعیت سیاهپوستان در این کشور حدود ۴۳ میلیون نفر یا به عبارت دیگر ۱۳/۳ درصد می‌باشد (خبرگزاری صدا و سیما ۱۳۹۷/۰۳/۲۹). بر اساس پژوهش خبری صدا و سیما، سیزدهمین متمم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، برده‌داری را در هر شکل و در هر نقطه از خاک این کشور را غیرقانونی اعلام می‌کند؛ اما این متمم که بیش از ۱۵۰ سال پیش، در ۳۱ ژانویه سال ۱۸۶۵، به تصویب کنگره آمریکا رسید، هرگز سخنی از غیر قانونی بودن تبعیض نژادی در اماکن عمومی، مدارس و حتی سیستم قضایی و پلیس بیان نمی‌کند. این مسئله سبب گسترش هرچه بیشتر تبعیض علیه سیاهپوستان و سایر اقلیت‌های نژادی شده است. بر اساس گزارشی که رادیو عمومی ملی در تحقیق از سیاهپوستان داشته حدود ۵۰ درصد از آنها ابراز کرده‌اند که در مواجهه با پلیس مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. طبق همین گزارش نزدیک به ۶۰ درصد پاسخ دهندگان دلیل اینکه توسط پلیس متوقف شده و مورد بازرسی قرار گرفته‌اند را چیزی جز رنگ پوستشان نمی‌دانند (همان). با این توصیف، با توجه به اهمیت وجودی انسان و جایگاه ارزشمند آن در صحنه اجتماع، به طور کلی رنگ پوست چه مصداقی از تبعیض و جدانگاری خواهد داشت که اینچنین چالش یا تنش را در زندگی اجتماعی امریکائیه‌های افریقائی تبار ایجاد می‌کند و تصویری زشت و کریه در جامعه انسانی ایجاد می‌کند؟ از آنجا که آمریکا در کنار سیاستهای امپریالیستی خود، سیاستهایی مبنی بر حاکمیت دموکراسی را پیش می‌کشد و علی‌رغم رعایت قانون حقوق بشر، خود را در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی موفق اعلام می‌کند که متأسفانه رگه‌هایی از تبعیض، جدائی و نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی - قضائی و دینی در زمینه‌های مختلف زندگی روزمره اعم از استفاده از تسهیلات، تمهیدات و امکانات شهروندی، تحصیلات و نظام آموزشی، شغل و استخدام، سیستم حقوق و قضائی و برخورد پلیس با آنان، حق رای و شرکت در انتخابات، افزایش تعداد افراد سیاسی و مقامات اجرائی سیاه پوست و به طور کلی حقوق مدنی در میان افراد سیاه پوست امریکائی مشهود است و باعث نارضایتی عمیق و افزایش اعتراضات وسیع و گسترده افریقائی‌های ساکن در آمریکا شده است که مسئله جدی و اساسی را به لحاظ اجتماعی ایجاد نموده است. نوشتار حاضر با توجه به اهمیت موضوع، روا داشتن تبعیض بین افراد سفید پوست و سیاه پوست و اینکه خود مسئله‌ای جهانی و حائز توجه می‌باشد سعی بر آن دارد که با استفاده از برخی از نظریات مهم در زمینه جنبش به این سوال بپردازد که آیا این حرکت دسته جمعی سیاهان تحت عنوان جنبش به حساب می‌آید؟ چه علل و عواملی باعث وقوع این پدیده شده است؟ و آیا می‌توان با توجه به برخی نظریات مربوط به جنبش رویداد فوق را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد؟

۳- تاریخچه جنبش سیاهان و زمینه شکل‌گیری آن

سیر تاریخی و تحولات عمیقی در تاریخ آمریکا به لحاظ فرایند شکل‌گیری جنبش حقوق مدنی سیاهان وجود دارد که ریشه آن از زمان پیدایش قاره آمریکا در قرن شانزدهم در دوران حاکمیت نظام برده‌داری می‌باشد. متأسفانه تا کنون علی‌رغم مصوب شدن

قوانینی مبنی بر رفع تبعیض های نژادی هنوز اساس نژادپرستی و تفاوت و نابرابری در جامعه سیاهان امریکا رواج دارد. به عبارتی دیگر ریشه اصلی وقوع جنبش سیاهان را می توان در حاکمیت نظام برده‌داری در قرن شانزدهم میلادی دانست.

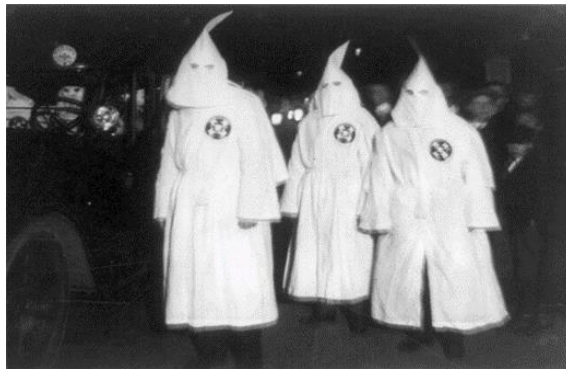
تاریخ جنبش سیاهان را می توان با توجه به عوامل ریشه ای و بنیادی آن در امریکا جستجو کرد. فرایند وقوع و شکل‌گیری جنبش حقوق مدنی به زمان دستگیری زن سیاه پوست آمریکائی به نام رزا پارکس در سال ۱۹۵۵ میلادی بر می گردد و این آغاز جنبش حقوق مدنی در تاریخ سیاسی امریکا به حساب می آید.

رزا پارکس از فعالان جنبش حقوق مدنی امریکا بود. شهرت پارکس به خاطر ممانعت و خودداری از دادن صندلی‌اش در اتوبوس به یک مرد سفیدپوست در روز اول دسامبر سال ۱۹۵۵ میلادی بود در نتیجه به اتهام اخلال در نظم عمومی بازداشت و جریمه شد. اقدام مقابله و مبارزه جویانه وی علیه نژاد پرستی و تبعیض در ایالت آلابامای امریکا نقطه آغاز نمادین جنبش حقوق مدنی سیاهان امریکا قلمداد می‌شود. خودداری رزا پارکس از واگذاری صندلی‌اش در یک اتوبوس شهری به یک مرد سفیدپوست و بازداشت متعاقب وی به تحریم گسترده شبکه ترابری همگانی توسط سیاهان منجر شد و به اعتراضات گسترده‌تر دامن زد که در نتیجه این اعتراضات قانون جداسازی اتوبوسها لغو گردید. کشیش سیاهپوست جوانی به نام مارتین لوتر کینگ که بعداً رهبری جنبش مدنی سیاهان را به عهده گرفت، سازماندهی آن تحرکات را به عهده داشت. جنبش اعتراضی او سرانجام به تصویب قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ میلادی (۱۳۴۳ شمسی) انجامید که هرگونه تبعیض نژادی در امریکا را ممنوع می‌کرد (مشرق نیوز، ۱۳۹۳/۰۹/۰۹).

در سایت خبرگزاری فارس به نقل از رضا دهقانی ریشه تاریخی جنبش سیاهان را در تاریخ برده‌داری و پس از آن تبعیض نژادی در امریکا علیه سیاه پوستان، در سده‌ها و دهه‌های گذشته، فراز و نشیب های بسیار داشته است. از زمانی که برده‌داری در تمام ایالات امریکا قانونی شد و تا حال که سیاه پوستان به گونه‌ای دیگر تحت تبعیض دستگاه حکومتی ایالات متحده قرار دارند. در ادامه به سیر تحولات این پدیده پرداخته می‌شود.

۱. در سال ۱۵۰۳، ده سال پس از کشف قاره امریکا توسط «کریستف کلمپ» کشتی‌های پرتغالی و اسپانیایی اولین دسته‌های بردگان را از آفریقا وارد این مستعمره تازه کشف شده کردند.
۲. در سال ۱۶۱۰، کشتی هلندی «هاف مون» به ویرجینیا (اولین مستعمره انگلیس در قاره امریکا) رسید و بردگانی از قاره آفریقا را وارد این منطقه کرد.
۳. در سال ۱۶۴۱، ماساچوست اولین مستعمره‌ای بود که قانون برده‌داری را تصویب کرد.
۴. در سال ۱۶۶۳، مستعمره ویرجینیا قانونی تصویب کرد که می‌گفت: اگر بچه‌ای از مادری برده متولد شود، او نیز برده خواهد بود.
۵. در سال ۱۶۲۷، پادشاه انگلیس از تأسیس شرکت مالکیت برده در آفریقا خیر داد و این شرکت همچنین به طور رسمی برده‌داری را به انگلیسی‌ها تجویز می‌کرد و آن را به رسمیت می‌شناخت.
۶. در سال ۱۶۷۳، برای اولین بار گروهی از سفید پوستان از «جرج فاکس» مؤسس جمعیت مسیحی «کویکارز» خواستند تا برده‌داری را لغو کند و وی نیز این کار را در شهرکی در ایالات نیوجرسی منع کرد.
۷. در سال ۱۶۸۸، اولین تظاهرات سفیدپوستان بر ضد برده‌داری در فیلادلفیا که در آن مسیحیان لیبرال از دو گروه «کویکرز» و «مانونات» شرکت کردند.
۸. در سال ۱۷۵۰، جرجیا آخرین مستعمره‌ای بود که برده‌داری را قانونی اعلام کرد.
۹. در سال ۱۷۷۵، بنجامین فرانکلین جمعیتی در فلادلفیا برای لغو برده‌داری به وجود آورد و همچنین توماس باینمتفکر و نویسنده، کتابی علیه برده‌داری نوشت.
۱۰. در سال ۱۷۸۵، کتاب «مخلوقات شگفت انگیز خدا» در لندن و در مورد اولین برده سیاه پوست آزاد شده منتشر شد.
۱۱. در سال ۱۸۰۷، پارلمان انگلیس برده‌داری را ممنوع اعلام کرد.
۱۲. در سال ۱۸۰۸، تجارت بین‌المللی برده ممنوع شد اما تجارت داخلی در امریکا همچنان ادامه یافت.
۱۳. در سال ۱۸۱۶، فشارهای سفیدپوستان موجب تشکیل جمعیتی شد که سیاه پوستان را برای بازگشت به آفریقا، تشویق می‌کرد.
۱۴. در سال ۱۸۲۱، اولین روزنامه ضد برده‌داری در امریکا انتشار یافت.
۱۵. در سال ۱۸۲۲، توهین و ضرب و شتم دانش آموزان سیاه پوست در مدارس، آن‌ها را مجبور کرد تا اولین مدرسه مخصوص سیاه پوستان را در فلادلفیا به وجود آورند.
۱۶. در سال ۱۸۳۲، شورش گسترده و بی سابقه سیاه پوستان در ایالات ویرجینیا.
۱۷. در سال ۱۸۳۴، پاپ، برای اولین بار برده‌بازی را محکوم کرد.
۱۸. در سال ۱۸۵۲، با گسترش ایالات متحده به سمت غرب و مواجه شدن با قبیله‌های سرخ پوست، کنگره امریکا جواز برده‌گیری از سرخ پوستان در آن مناطق را صادر کرد. این مسأله همدردی شدید سیاه پوستان با سرخ پوستان را در پی داشت.
۱۹. در سال ۱۸۵۷، دادگاه عالی قانون اساسی، اعلام کرد، (سیاه پوستان چه آزاده چه برده، از حقوق شهروندی برخوردار نیستند).

۲۰. در سال ۱۸۶۰، آغاز جنگ داخلی برای برده‌داری؛ آبراهام لینکلن، به ریاست جمهوری آمریکا رسید و با این اتفاق سران ایالت جنوبی و حامی برده‌داری، از ایالات متحده جدا شده و اعلام استقلال کردند و بنابراین جنگ داخلی بر سر برده‌داری شروع شد.
۲۱. در سال ۱۸۶۵، جنگ داخلی با پیروزی شمالی‌ها و به نفع قانون لغو برده‌داری به پایان رسید.
۲۲. در سال ۱۸۶۶، با غیر قانونی شدن برده‌داری، نه تنها نژاد پرستی کاسته نشد، بلکه بر شدت آن نیز افزوده شد. در ایالت میسیسیپی، قانون جدایی نژادی بین سفید و سیاه، تصویب شد. همچنین تشکیل گروه متعصب و نژادپرست «کوکلاس کلان» که با پوشیدن لباس‌های سفید و ماسک مخصوص، به ترور سیاه پوستان و آزار و اذیت آنها اعتقاد داشتند.



شکل ۱- گروه مخوف کوکلاس کلان^۱

۲۳. در سال ۱۸۷۰، با تصوب چهاردهمین متمم قانون اساسی، مردان سیاه پوست از حق رأی برخوردار شدند.
۲۴. در سال ۱۸۹۶، دادگاه عالی قانون اساسی، پس از نیم قرن در رأی ابتدایی خود تجدید نظر و جدایی سفید و سیاه را لغو کرد.
۲۵. در سال ۱۹۵۵، شروع جنبش حقوق مدنی سیاه پوستان. پس از اینکه رزا پارکس^۲، زن سیاهپوست حاضر نشد صدلی خود در اتوبوس را به یک سفیدپوست بدهد، مأموران پلیس او را دستگیر کردند و همین اتفاق جرقه اعتراضات گسترده را باعث شد.
۲۶. در سال ۱۹۶۳، در شهر بیرمنگهام ایالت آلاباما، پلیس با استفاده از باتوم، شلنگ آب و سگ‌های هار به معترضان سیاه پوست که اکثراً زن و بچه بودند، حمله کرد. انتشار تصاویر سرکوب وحشیانه پلیس در ایالات شمالی، تأثیر عمیقی بر جای گذاشت.
۲۷. در سال ۱۹۶۶، شورش سیاه پوستان در «دیترویت»؛ با مداخله چتربازان ارتش، ۴۳ سیاه پوست کشته شدند.
۲۸. در سال ۱۹۶۸، مارتین لوتر کینگ^۳ کشیش و رهبر جنبش ضدنژادی در شهر ممفیس ایالت تنسی ترور می‌شود. شورشهایی اعتراض آمیز در سرتا سر ایالات متحده شکل می‌گیرد.
- سخنرانی ۱۷ دقیقه‌ای «روایی دارم» که مارتین لوتر کینگ در گردهمایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سیاه پوستان و سفیدپوستان در سال ۱۹۶۳ میلادی ایراد کرد، بی شک یکی از مهم‌ترین و مشهورترین سخنرانی‌ها در تاریخ آمریکا به‌شمار می‌آید. تلاشهای مارتین لوتر کینگ طی زندگی کوتاهش برای دستیابی به حقوق برابر، منجر به وضع چند قانون علیه نژادپرستی در ایالات متحده آمریکا شد.
- الف) قانون حقوق مدنی^۴ در سال ۱۹۶۴ که هر گونه تبعیض براساس «نژاد، رنگ پوست، مذهب، یا ملیت» در امور استخدامی و حضور در اماکن عمومی را ممنوع اعلام می‌کرد.
- ب) قانون حق رأی^۵ در سال ۱۹۶۵ که حق رأی دادن را احیا و محافظت می‌کرد.
- ج) قانون خدمات مهاجرتی و تابعیت^۶ در سال ۱۹۶۵ که به طرز چشمگیری منجر به مهاجرت غیراروپایی‌ها به ایالات متحده آمریکا شد.
- د) قانون معاملات مسکن منصفانه^۷ در سال ۱۹۶۸ که هرگونه تبعیض در معاملات خرید، فروش یا اجاره مسکن را ممنوع اعلام می‌کرد (یورو نیوز، ۲۰۱۸/۰۴/۰۴)
- در سال ۱۹۶۸، سرانجام پس از ده‌ها سال ظلم، قانون حقوق مدنی تصویب می‌شود و جداسازی سفید و سیاه و در هر مکانی ممنوع اعلام شد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۱۰/۰۳).

1(Koklaskalan
2(Rosa Parks
3(Martin Luther King
4(Civil rights law
5(The law of the right to vote
6(Immigration and Nationality Law
7(The law of fair housing transactions

بعد از معرفی سیر و تحولات تاریخی در زیر به برخی از اخبار مهم در سایت خبرگزاری ها در راستای دلایل مستند و قابل توجه که موج اعتراضات سیاهان در جامعه آمریکا را تشدید کرده است و خود زمینه ساز فرصت های مناسب ساختاری جنبش می باشد اشاره می گردد.

مرگ مایکل براون^۱ اعتراضات جدید سیاهپوستان در دوره ریاست جمهوری باراک اوبامای سیاه پوست، بار دیگر شعله ور شده است. داستان از آنجایی شروع شد که مایکل براون جوان ۱۸ ساله اهل فرگوسن در نهم آگوست سال ۲۰۱۴ در حالی که به اتهام سرقت یک بسته سیگار از یک مغازه تحت تعقیب قرار گرفت، به ضرب گلوله پلیس کشته شد. این جوان سیاه پوست در آن لحظه هیچ سلاحی در دست نداشت و به گفته شاهدان به علامت تسلیم دستهای خود را بالای سر گرفته بود از همان زمان بود که اعتراضات در این شهر بالا گرفت. سیاهپوستان آمریکا این اقدام پلیس و سپس تبرئه پلیس قاتل را توسط دادگاه را نمونه بارز تبعیض نژادی و ظلم علیه سیاهپوستان می دانند (همان).

در پی اولین سالگرد کشته شدن مایکل براون ۱۸ ساله در جریان خشونت پلیس آمریکا، یک مرد سیاه پوست دیگر نیز در جریان اعتراضات در فرگوسن کشته شد که همین امر ممکن است موج جدیدی از ناآرامی های خشونت بار را در این کشور که بارها خشونت علیه سیاه پوستان را به چشم دیده است، به راه بیندازد. (خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۹/۰۵/۱۳۹۴). در پی این اعتراضات، مردم دیگر شهرهای آمریکا و اروپا نیز به صف اعتراض کنندگان پیوستند و کماکان این اعتراضات ادامه دارد.

پس از قتلرتیون مارتین^۲ نوجوان ۱۷ ساله ای که در سال ۲۰۱۲ به دست پلیس کشته شد، حرکتی در میان سیاه پوستان شکل گرفت که رفته رفته با توجه به خشونت آشکار پلیس نسبت به جوانان و مردان سیاه پوست به جنبشی عدالت جویانه و برابری خواه برای سیاه پوستان تبدیل گشت. قبلا نیز جنبش هایی برای برابری خواهی رنگین پوستان در این کشور وجود داشت ولی اکنون جنبش «جان سیاهان اهمیت دارد» به گفتمان مسلط سیاسی تبدیل شده است. این جنبش نقش مهمی در زندگی سیاسی آمریکایی ها بازی کرده است؛ زیرا وقتی مردم با مسئله نژادپرستی پنهان و پیشداوری هایی که در خودشان وجود دارد، درگیر می شوند، تغییرات اجتماعی و سیاسی تسریع می گردد (یورو نیوز ۲۰۱۶/۰۸/۳۱).

در سال ۲۰۱۳، جانانان فرل^۳ سیاه پوست پس از تصادف خودرو، به ضرب گلوله پلیس به قتل رسید. در سال ۲۰۱۴ مرد سیاهپوستی به نام اریک گارنر^۴ به دست پلیس در ایالت نیویورک به خاطر فروش سیگار نخی غیرقانونی در اثر خفه کردن جان سپرد. در سال ۲۰۱۴ در ایالت اوهایو پلیس به تمیر رایس^۵ نوجوان ۱۲ ساله به خاطر بازی با تفنگ اسباب بازی شلیک کرد و کشته شد. در سال ۲۰۱۵ در ایالت اوکلاهما اریک هریس^۶ به ضرب گلوله پلیس از پا درآمد. در سال ۲۰۱۵ والت اسکات^۷ در کارولینای جنوبی توسط برخورد خشونت آمیز و نژادپرستانه پلیس به قتل رسید و فدری گری^۸ در زمان دستگیری خشونت آمیز پلیس به نخاع وی آسیب رسید و در اتومبیل پلیس در راه بازداشتگاه جان سپرد. نمونه هایی از رفتارهای خشن و غیر انسانی از سوی سیستم امنیتی آمریکا چون پلیس محلی یا فدرال در سال های اخیر می باشد که بخاطر شدت و حساسیت ظالمانه، اعتراضات گسترده مردمی در رسانه های آمریکا منعکس شده است (اسلام تایمز ۲۰۱۴/۱۲/۰۷).

نوجوان ۱۸ ساله به نام آنتونیو مارتین^۹ به دلیل بی توجهی به پلیس در پمپ گاز جهت خوابیدن بر روی زمین و بازدید بدنی و نهایتا مقاومت شدید به قتل رسید (خبرگزاری ایرنا ۱۳۹۳/۱۰/۰۳).

نژادپرستی پدیده شومی است که در بطن جامعه آمریکا به طور تاریخی ریشه دوانیده است و لایه های مختلف اجتماع از اداره پلیس گرفته تا کارفرمایان، سیاهان را در ردیف سفید پوستها قرار نمی دهند. این واقعیت حال به گونه ای رخ نمایان کرده است که باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه «بت نیوز» لب به اعتراف گشود و گفت: نژادپرستی در جامعه آمریکا ریشه دوانده و یک شبه حل نمی شود.

۴- مبانی نظری

رهیافت های مطالعه و تحلیل جنبش های اجتماعی را می توان به چهار دیدگاه مسلط تقسیم کرد که عبارتند از:

- رفتار جمعی
- بسیج منابع
- فرایند سیاسی
- جنبش های اجتماعی جدید (نقوی به نقل از دلاپورتا و همکاران، ۱۳۸۶؛ ۱۰۱)

با توجه به فرایند وقوع و رویداد جنبش سیاهان در جامعه آمریکا که ریشه در نظام برده داری دارد و ماهیت جنبش نیز نظام اجتماعی بر اساس وجود نابرابریها، بی عدالتی ها، تبعیض در زندگی روزمره اجتماعی سیاه پوستان می باشد که در نتیجه چنین

8(Michael Brown
8(Trayvon Martin
10(Jonathan Freel
11(Eric Garner
12(Temir Rice
13(Eric Harris
14(Walt scott
15(Fedagry
16(Antonio Martin

ناروایی‌های انسانی از سوی سفید پوستان و دستگاه حکومتی ایالت متحده آمریکا دست به تظاهرات و تجمعات و اعتراضاتی مبنی بر حاکمیت نژاد پرستانه شکلی سیاسی به خود گرفته است. قتل‌ها و کشتارهای صورت گرفته از سوی دولت آمریکا علیه سیاهان به عنوان واقعه‌های مهم و اساسی در پیگیری جنبش و اقدامات دسته جمعی و هیجان‌انگیز آنان در مقام اعتراض و خواستار حقوق مدنی خود را می‌توان در غالب تئوری‌ها یا رهیافتهای مذکور تحلیل نمود. از طرفی از آنجا علی‌رغم قوانین منع هر گونه اعمال خشونت آمیز مبنی بر تبعیض نژادی که متأسفانه رگه‌هایی از سیاست‌های تبعیض آمیز و نژادپرستانه از سوی دولت آمریکا در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در زندگی روزمره سیاهان وجود دارد و شکل جنبش نیز به مقوله سیاسی گرائیده می‌شود می‌توان بر اساس دیدگاه بسیج منابع مورد بررسی و تحلیل قرار داد؛ بنابراین در اینجا از میان رهیافت‌ها و نظریه‌های مهم برای بیان نظری و تحلیل جنبش بر پایه آن تنها بر دو نظریه رفتار جمعی و بسیج منابع اشاره داشت.

۴-۱- نظریه رفتار جمعی^۱

از جمله نظریه پردازان تئوری رفتار جمعی نیل جوزف اسملسر^۲ می‌باشد. اسملسر در کتاب تئوری رفتار جمعی تلاش کرده است یک نظریه ساختاری کلان بسازد که بتواند بر مبنای آن انواع رفتارهای جمعی از جمله جنبش‌های اجتماعی را تبیین کند. اسملسر در تعریف رفتار جمعی بر این نظر است که رفتار جمعی عبارت است: از بسیج بر مبنای اعتقادی که کنش اجتماعی را باز تعریف می‌کند. اعتقاد عمومی مبنای رفتار جمعی است که شامل انواع اعتقاد به وضعیت خاص، تهدید خاص، انتظارات خاص و ... می‌شود. مولفه‌ها یا اجزای کنش اجتماعی عبارتند از: ارزشهای اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، سازماندهی یا بسیج انگیزه‌های فردی و نیز تسهیلات شامل: اطلاعات و اسباب و موانع رسیدن به هدف مشخص (پناهی، ۱۳۹۱، ۲۰۲). نیل اسملسر اشکال رفتار جمعی را شامل هراس، هیجان جمعی (شامل هوس جمعی، رونق تجاری، موقعیت‌سنجی و احیای دینی)، طغیان خصوصاً آمیز، جنبش معطوف به هنجار (شامل جنبش اصطلاحی) و جنبش معطوف به ارزش (شامل انقلاب سیاسی و دینی، شکل‌گیری فرقه‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی و غیره) می‌داند. وی شش شرط را به‌عنوان عوامل اولیه و تعیین‌کننده رفتار جمعی ذکر نموده است:

- ۱- زمینه ساختاری: به معنای آن است که ساختار جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد. به‌عنوان مثال جامعه‌ای که اعتراض و تظاهرات در آن ممنوع است، زمینه مساعدی برای چنین رفتارهای خودانگیخته‌ای فراهم می‌سازد.

- ۲- فشار ساختاری: هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود، مردم، اغلب برای یافتن راه‌حل پذیرفتنی، به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند. برای مثال بحران اقتصادی در جامعه، افراد را دچار ناراحتی‌های روحی کرده و با یکدیگر در سرپیچی از نظم حاکم متحد می‌کند.

- ۳- باور تهمیم‌یافته: قبل از اینکه راه‌حلی دسته‌جمعی برای یک مسأله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مسأله‌ای وجود دارد، بنابراین مسأله باید شناخته شود، افکار عمومی به آن توجه کنند و راه‌حل‌های ممکن برای آن ارائه شود.

- ۴- عوامل شتاب‌دهنده: برای ظهور رفتار جمعی، باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وا دارد. این رویداد خاص اغلب با شایعه، مبالغه آمیز می‌شود و در نتیجه، به صورت چشم‌گیرتری جلوه می‌کند.

- ۵- بسیج برای اقدام: هنگامی که رویداد شتاب‌دهنده رخ داد، گروه برای اقدام، بسیج می‌شود. این نوع سازمان که اعضای آن با شتاب گرد آمده‌اند، بسیار بی‌ساختار است و بافت منسجمی ندارد.

- ۶- عملیات کنترل اجتماعی: موفقیت تلاش‌های جمعی افراد، عمدتاً تابع مکانیسم‌های کنترل اجتماعی در جامعه است (اسملسر، ۱۳۸۰: ۱۶)

کنترل‌های اجتماعی را می‌توان به دو نوع گسترده تقسیم کرد:

الف- کنترل‌های اجتماعی که شرایط مساعد ساختاری و فشار را به حداقل می‌رسانند؛ در معنای وسیع، این کنترل‌ها از وقوع

یک مورد رفتار جمعی جلوگیری می‌کنند، زیرا به عوامل نامعین حمله می‌برند.

ب- کنترل‌های اجتماعی که صرفاً پس از آنکه یک مورد جمعی آغاز به شکل‌گیری و تحقق نماید، بسیج می‌شوند. دسته اخیر

تعیین می‌کنند که یک مورد جمعی، با چه سرعت تا چه اندازه و در چه جهاتی بروز خواهد نمود (همان).

با استفاده از انواع جنبش و عوامل اصلی و تعیین‌کننده جنبش در نظریه رفتار جمعی اسملسر می‌توان به تحلیل، تفسیر و تشریح جنبش سیاهان پرداخت و به موضوع اصلی علل و چگونگی وقوع پدیده جمعی جنبش فوق پی برد. با توجه به الگوی اول نظریه رفتار جمعی در خصوص زمینه ساختاری، به عقیده فراباوغ ساختارهای سیاسی و اقتصادی عامل اصلی جنبش سیاهان می‌داند و نابرابری در ثروت و کیفیت را عامل نارضایتی سیاهان تلقی می‌کند. (سمیعی اصفهانی به نقل از فراباوغ، ۱۳۹۶، ۱۳۴)؛ اما مهم آن است که ریشه این نابرابریها و بی‌عدالتی‌ها را کجا بایستی جستجو کرد؟ همان‌گونه در سیر تاریخی ساختار سیاسی جامعه آمریکا آمده است رفتار تبعیض‌گرایی از زمان کشف قاره آمریکا پدید آمده است و علی‌رغم اعلامیه حقوق مدنی مصوب در سال ۱۹۶۴ مبنی بر ممنوعیت و غیر قانونی بودن هر گونه تبعیض علیه افراد بر اساس رنگ، جنسیت، ملیت و نژاد هنوز از بین

17(Collective behavior theory
18(Nile Joseph Smelser

نرفته و کماکان این وضعیت ناخوشایند ادامه دارد. بنابر این پارامتر زمینه های نامناسب نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پایه های وقوع جنبش را مستحکم می کند.

داگلاس ماسی و نانسی دنتون (۱۹۹۳) در کتاب خود با عنوان آپارتاید آمریکا با مطالعه وضعیت سیاسی اجتماعی سیاه پوستان آمریکا می نویسد: در پنجاه سال گذشته هیچ گروهی در تاریخ ایالات متحده چنین سطحی از تبعیض نژادی تحمیل شده بر جامعه سیاه پوست آمریکا را تجربه نکرده است. این تبعیض نژادی افراطی، امری اتفاقی نیست؛ بلکه روندی ساخته شده است که جامعه سفید پوست آمریکا با مجموعه ای از ترتیب های نهادی هدف مند بر جامعه سیاه پوست این کشور اعمال کرده است، روندی که تا به امروز ادامه دارد (همان، ۱۳۳).

به دنبال شرط اولیه نظریه رفتار جمعی اعمال فشارهای اقتصادی و مالی و عدم رعایت حقوق شهروندی، توزیع ناعادلانه ثروت و خدمات بر اساس رنگ و نژاد خود دلیل ناموجهی برای فقر و محرومیت در میان افراد سیاه پوست می باشد. این امر باعث شده است چهره فقر و نابرابری بیشتر از اینکه مسئله ای اقتصادی صرف قلمداد شود به مثابه موضوعی سیاسی - فرهنگی نمایان شود. تبعیض علیه این اقشار در جامعه آمریکا، نمادی از نبود عدالت اجتماعی در این کشور است. نرخ بیکاری بالا، میانگین حداقلی درآمد، بی خانمانی، افزایش فقر و سایر مولفه ها همگی علائمی از اوضاع نابسامان معیشتی رنگین پوستان آمریکا است که به منبعی از بی ثباتی و آشوب در این کشور تبدیل می شود (سمیعی اصفهانی به نقل از جوزف، ۱۳۹۶، ۱۳۶)؛ بنابراین اعمال فشار از جانب حاکمیت آمریکا مبنی بر ایجاد فاصله طبقاتی یا شکاف عمیق اقتصادی، نابرابری در استخدام و مشاغل خصوصی و دولتی و عدم برخورداری از فرصت های برابر معیشتی و تامین مالی خانواده های سیاهان ساکن آمریکا بستر تشویق و ترغیب گروهی و دسته جمعی با توجه به مبحث سوم از عوامل لازم در شکل رفتار جمعی را فراهم می کند؛ یعنی سیاهان آمریکا به این باور رسیده اند که شرایط لازم برای تامین خواسته های حقوق مدنی و شهروندی خود از طریق تظاهرات و تجمعات گروهی، رسانه ها و افکار عمومی را متوجه مسائل و مشکلات پیش رو با وجود تمیزات و تفاوت های تحمیلی بر افراد سیاه پوست نمایند.

رویدادها و اتفاقات ناشی از سوء رفتار پلیس فدرال و محلی آمریکا و مأموران امنیتی و همچنین سیستم ناعادلانه قضائی در برخورد با اقلیت های سیاه پوست اعم از قتل، کشتار و جنایت طی اخبار رسیده از طریق رسانه های عمومی و رفتارهای خشونت آمیز آنان طبعاً واکنشهای تند و غیر قابل تحملی را از سوی سیاهان به دنبال داشته است. این رخدادها اساس و پایه فرصت های سیاسی را ایجاد می کند که باعث اوج گیری و یا شتاب گرفتن جنبش میشود. البته با توجه به نظریه ساختارهای فرصت سیاسی که در چارچوب سنت نظریه منابع جای دارد و بیشتر به اینکه توجیه دارد که چگونه منابع با جنبش های اجتماعی برای حل نارضایتی های جمعی بسیج می شوند (کیت، ۱۳۹۱، ۱۵۱).

بر مبنای شکل پنجم از عوامل لازم در رفتار جمعی برای جنبش انسجام، همبستگی و یک پارچگی مردان سیاه پوست با عزمی راسخ و مصمم با رهبری و هدایت مارتین لوتر کینگ جنبش را هدایت کرده اند و مایه پایداری و برقراری این جنبش در جهت تحقق یافتن خواسته های انسان دوستانه و عدالت جویانه شده اند و همچنین با توجه به اعتراض رزا پارکس و ممانعت از دادن صندلی خود به فرد سفیدپوست در اتوبوس شهری مونتگومری از طریق هماهنگی و همکاری در صدد تحریم اتوبوس های شهر بر آمدند. این امر منجر به کاهش درآمد عمومی شده که در نهایت با شکست سیاست های تبعیض آمیز و پیروزی در رفع و برداشته شدن قانون جداسازی اتوبوس برای افراد سیاه پوست و سفیدپوست مواجه شده است. جنبش سیاهان تحت کنترل، هدایت و پیروی از رهبری با وجود هر گونه فرصت های سیاسی مناسب به سرانجام رسید. اگر چه به طور کامل قانون ممنوعیت برخورد نژادپرستانه با افراد سیاه پوست اجرا نمی شود اما حداقل باری از فشارهای تحمیلی سیاست های نابرابرانه کاسته شده است.

با توجه به انواع رفتار جمعی طبق نظریه اسملسر، از آنجا که جنبش سیاهان بیشتر در صدد تغییر در عناصر حکومتی بوده اند تا ساختار حکومتی؛ بنابراین اعتراض آنان مبنی بر عدم ضمانت اجرائی بر منع تبعیض و تفاوت قائل شدن در میان سیاه پوستان با سفید پوستان بوده است. توجه و اهمیت به ارزشها، معیارها و الگوهای انسان دوستانه بر اساس رنگ، قومیت و نژاد، احترام به حقوق شهروندی و مدنی افراد سیاه پوست و آزادی حقوق سیاسی خصوصاً حق رای و انتخاب از جمله ملاحظات مهمه حساب می آید از همه مهمتر با توجه به سوگیری جنبش سیاهان به پدیده سیاسی، حفظ ارزشها و برقراری عدالت و مساوات و برابری اجتماعی در میان افراد سیاه پوست در جامعه آمریکا است که نوع رفتار جمعی در جنبش سیاهان از نوع معطوف به ارزش می باشد.

۴-۲- نظریه بسیج منابع^۱

از جمله نظریه پردازان نظریه بسیج منابع می توان به چارلز تیلی، مایر زالد و اوبرشال اشاره کرد که در اینجا به نظریه چارلز تیلی پرداخته خواهد شد. نظریه بسیج منابع، بر نگرشی لیبرالی متکی است. این نظریه به این دلیل لیبرال است که روش مطالعه آن مبتنی بر فردگرایی روش شناسانه است. ضمن آنکه این نظریه، دولت را عرصه سیاست به معنای دقیق کلمه تلقی می کند. علاوه بر آن این نظریه به طور سنتی، جنبش های اجتماعی را به مثابه بازیگران سنتی تلقی می کند و آن را دنباله سازمان سیاسی سنتی مثل احزاب و گروه های فشار می داند. این نظریه معتقد است پدیده های اجتماعی، نتیجه تصمیم ها و کنش های فردی هستند.

19(Resource mobilization theory

نظریه بسیج منابع بر مبنای فرضیه های انتخاب عقلانی استوار شده است (دلاریوتا و دیانی، ۱۳۸۳، ۵۰-۲۰ به نقل از سمیعی اصفهانی، علیرضا و دیگران، ۱۳۹۶).

نظریه پردازان بسیج منابع جنبش را در نتیجه نارضایتی اجتماعی می دانند. انتخاب های اجتماعی را باید بر حسب اولویت های توضیح داد. افراد، عقلانی عمل می کنند تا منافعشان به حداکثر و ضررهایشان به حداقل برسد؛ بنابراین ویژگی عمده این رهیافت توجه به عقلانی بودن کنش جمعی و فعالیت و محاسبه کنشگران در رسیدن به اهداف است؛ و بر متغیرهای کلان و ساختاری توجه دارد (سمیعی اصفهانی، علیرضا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۱). در تفهیم موضوع بسیج، از نقطه نظر اوبرشال؛ فرایندهایی است که با آن گروه ها، منابع را برای تعقیب اهدافشان مدیریت می کنند. ایجاد تغییرات بنیادی در سیاست ها بدون وجود زمینه مناسب امکان پذیر نیست. چنین تغییراتی مستلزم بسیج منابع، بازتوان منابع مادی و غیر مادی، فداکاری و ... که لازمه آنها متقاعد شدن کنشگران به ضرورت و مشروعیت اقدامات مربوط است (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ۱۶۵). منابع مادی نیروهای کنشگر جمعی، شکل ها و تجمعات، احزاب و سازمان ها هستند و نیروهای غیر مادی را می توان به ایثار، فداکاری، شهامت، باورها، اعتقادات و ارزشهای حاکم بر فضای جنبش که با هدایت و رهبری فردی مبارز و با تجربه اشاره کرد.

بر حسب موضوع مورد نظر نظریه پردازان بسیج منابع مبنی بر نارضایتی اجتماعی چنین استنباط می شود که در واقع جنبش سیاهان امریکا در نتیجه نارضایتی هایی چون تبعیض نژادی و نابرابری اجتماعی و اقتصادی است و بر آن هستند تا بدون هیچ گونه تغییری در ساختار سیاسی دولت امریکا تنها در صدد تغییر عناصری چون سیاستهای تبعیض گونه بودند. از طرفی بدون هیچ خشونت و خونریزی و نزاع خواسته های اجتماعی را با عنوان ایجاد جامعه مدنی در قالب شعارهایی مطرح می کردند ولیکن متاسفانه با اعمال خشونت پلیس و دولت امریکا در سرکوبی و برخورد خشن آنان روبرو می گشتند. با این تفسیر سعی در کاهش مضرات و افزایش کسب منافع داشتند. در چارچوب نظریه بسیج منابع، نظریه ساختارهای فرصت سیاسی را می توان در نظر داشت. این نظریه بیشتر به این نکته توجه دارد که چگونه منابع با جنبش های اجتماعی برای حل نارضایتی های جمعی بسیج می شوند (نش، ۱۳۹۱، ۱۵۱ به نقل از سمیعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۶). این نظریه بر وجود یا عدم وجود فرصت های سیاسی تاکید دارد. تارو و سیدنی به جنبش های اجتماعی در دوره های اعتراض و دوره های منازعه اشاره می کنند. تارو اعتقاد دارد جنبش های اجتماعی به طور فردی رخ نمی نمایند، بلکه یک موج عمومی نا آرام اجتماعی هستند که با برخی از وقایع پیش بینی ناپذیر تسریع می شوند. از نظر وی مردم هنگامی شورش می کنند که نارضایتی های جدید بر نارضایتی قدیمی افزوده شوند و فرصت های سیاسی جدیدی به وجود آیند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶). به نمونه هایی از فرصت های سیاسی پیش آمده در شکل گیری جنبش سیاهان و تداوم و پایداری آن می توان به طور خلاصه به شرح ذیل بیان کرد:

۱. جنبش حقوق مدنی امریکائی های آفریقائی تبار
۲. سلما و قانون حق رای سال ۱۹۶۵
۳. جنبش وال استریت و ساختار فرصت ائتلاف
۴. به قدرت رسیدن باراک اوباما در امریکا (همان).

۴-۳- چارلز تیلی^۱

تیلی در کتاب از بسیج تا انقلاب طرح نظری اش درباره چگونگی شکل گیری فرایند کنش های جمعی را ارائه می دهد. تیلی با ارائه دو مدل انتزاعی جامعه سیاسی و بسیج که چگونگی شکل گیری فرایند کنش های جمعی یک جامعه در وضعیت انقلابی را ترسیم می کند. الگوی تیلی برای توضیح عمل جمعی، الگوی بسیج منابع است (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۴-۸۳).

در مدل جامعه سیاسی که به توصیفی ایستا از آن می پردازد، عناصر آن را به شرح زیر بیان می کند:

۱. جمعیت: مجموعه افرادی که با انگیزه های مشترک در کنش جمعی به صورت سازمان یافته یا خودانگیخته شرکت می کنند.
۲. حکومت: سازمانی که مدعیان اصلی را کنترل می کند یا به عبارتی ساز و کار اعمال زور بر جمعیت را دارد.
۳. یک یا چند مدعی: گروه هایی که از منابع برای نفوذ در حکومت استفاده می کنند و شامل اعضا و چالشگران می شود.
۴. چالشگران: مدعیانی که هزینه دسترسی به منابع تحت کنترل دولت برای آنها زیاد است (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲).
۵. جامعه سیاسی: عرضه کنش جمعی اعضا و حکومت را در بر می گیرد.
۶. ائتلاف: گرایش مجموعه ای از اعضا و یا حکومت برای هماهنگی در کنش جمعی است (3- Tilly, 1977, 1).

در الگو بسیج منابع به منظور تبیین رفتار هر یک از گروه های مدعی به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند که عبارتند از:

منافع: امتیازات و محرومیت های مشترکی که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت ها حاصل شود.

سازمان: میزان هویت مشترک و نظام وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است و به عنوان فرایند افزایش هویت مشترک محسوب می شود. هر چه اعضای گروه از هویتی یکپارچه تر برخوردار باشند و ساختارهایی که آنان را متحد می کند مستحکم تر باشند، آن گروه سازمان یافته تر محسوب می شوند.

بسیج منابع: کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند (می توان کاهش آن را بسیج زدائی نامید).

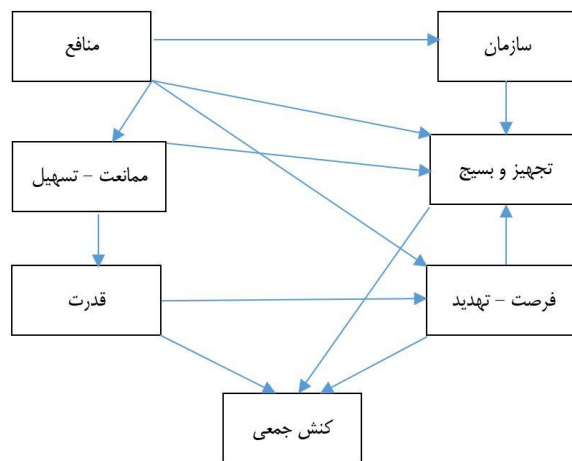
عمل جمعی یا (کنش گروهی): با هم عمل کردن در تعقیب علایق مشترک، به عبارت دیگر، عمل مشترک یک گروه مدعی در پی دستیابی به اهداف مشترک عمل جمعی خوانده می شود.

فرصت - تهدید: فرصت رابطه میان منافع جمعیت و وضع کنونی جهان اطراف است (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۴-۸۳).

تیلی معتقد است که در هر جنبش اجتماعی سه عامل اصلی و سه عامل که از اهمیتی درجه دوم برخوردارند، مداخله می کنند. عناصر اصلی را (منافع، سازمان و تجهیز و بسیج) و عناصر درجه دوم را (ممانعت - تسهیل، قدرت و فرصت - تهدید) تشکیل می دهند. تاکید وی بر سازمان و تجهیز و بسیج است (زاهد، ۱۳۸۹، ۴۷).

تیلی مراحل تحول جنبش های اجتماعی را از سازمان به تجهیز و بسیج و پس از آن به کنش جمعی و بالاخره به انقلاب توضیح می دهد. منافع سر منشا هر جنبش اجتماعی است و دارای دو ریشه است: روابط تولید که معین کننده منافع مردم در میان مدت و بلند مدت است؛ منافع خود مردم که رفتار آنان را در کوتاه مدت توضیح می دهد (همان، ۴۸). به عقیده تیلی عناصر درجه دوم چون (ممانعت - تسهیل، قدرت و فرصت - تهدید) در واقع شرایط اجتماعی را تعیین می کنند و بر کنش جمعی و تجهیز و بسیج (عناصر اصلی) اثر گذار می باشد. سازمان و تجهیز و بسیج (عناصر اصلی) تحت تاثیر شرایط اجتماعی یعنی عناصر درجه دوم قرار گرفته و منافع مردم نیز کنش جمعی را می سازند (همان).

مدل تجهیز بسیج منابع چارلز تیلی را می توان بر اساس الگوی زیر شناسائی کرد.



شکل ۱- مدل تجهیز بسیج منابع چارلز تیلی (ماخذ: تیلی، ۱۹۷۸: ۵۶)

بر اساس دیدگاه نظری چارلز تیلی و ادبیات نظری در قالب این دیدگاه می توان فرایند شکل گیری جنبش سیاهان و ماهیت این جنبش را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و بر مبنای این چارچوب نظری مورد نظر به تشریح جنبش فوق پرداخت. در الگو یا مدل اول دیدگاه تیلی جمعیتی که این جنبش را تشکیل داد در واقع سیاهان امریکائی هستند که با جوی حاکم بر این جمعیت مبنی بر ایجاد رفتار جمعی سازمان یافته توسط گروهی از افراد برجسته و ذینفوذ در سیستم حکومتی دولت امریکا، در جهت خواسته ها و منافع خود مبنی بر شکل گیری جامعه مدنی و دوری از هر گونه تفاوت نژادی، قومیتی، رنگ، مذهب و دین در عرصه فعالیت های کنش جمعی خود با در نظر گرفتن اعتقادات و باور های خود در قالب شعارهای عدالت آمیز و برابری جویانه خودشان نقش به سزائی ایفا کردند. در این میان شرایطی اجتماعی و محیطی به لحاظ اعمال زمینه های لازم جهت تداوم و برقراری جنبش فراهم می گردید که با عنوان فرصت های سیاسی پیش آمده خصوصا قتل عام و کشتار برخی از شخصیت های برجسته و عادی افراد سیاه پوست جامعه امریکا، می توانست باعث وقوع جنبش و یا حرکت جمعی این افراد و تقویت، بقا و ادامه یافتن جنبش سیاهان شود. از طرفی دیگر وجود عوامل ریشه ای و بنیادی سیاست های تبعیض آمیز و نژاد پرستانه دولت امریکا که در گذشته نوعی نظام برده داری وجود داشته است و افراد سیاه پوست به عنوان برده خرید و فروش می شدند و حقوقی مبنی بر حقوق شهروندی برای آنان قائل نمی شدند و تعصبی بیش از حد و نامعقولی به لحاظ رنگ پوست در آن دوران حاکم بود، خود نیز مزید بر علت های وقوع جنبش سیاهان می باشد.

۵- نتیجه گیری

بر اساس تحلیل انجام گرفته و یافته های تحلیلی طبق نظریه رفتار جمعی با توجه به شش شرط لازم و عوامل تعیین کننده فرایند وقوع پدیده جنبش سیاهان و همچنین طبق نظریه بسیج منابع با توجه به مدل نظری چارلز تیلی از نظریه پردازان کنش جمعی و توصیف فرایند جنبش با در نظر گرفتن عوامل اصلی و فرعی که در شکل گیری جنبش تاثیر گذار می باشد چنین نتیجه گیری می شود که دقیقا ماهیت و محتوای جنبش را شامل می شود. با توجه به اینکه علت و دلیل اصلی جنبش مدنی ریشه در نظام برده داری از زمان کشف قاره امریکا دارد و زمینه ساز ذاتی و درونی نژادپرستی، تبعیض و اعمال نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قومی در جامعه امریکا علیه افراد سیاه پوست می باشد و از طرفی به دنبال کشف قاره امریکا مردان سیاه پوست افریقائی تبار را که به عنوان برده مستعمره خود قرار داده بودند، به آنجا آورده و بعضا نیز مهاجرت کرده اند با توجه به اقلیت بودنشان تحت فشار شدید اعمال رفتارهای ضد انسانی و غیر انسانی قرار گرفتند. به دنبال لبریز شدن کاسه صبر و تحمل سیاست های تبعیض نژادی حاکمیت دولت امریکا انگیزش های کنش جمعی در میان افراد سیاه پوست فراهم گردید. شخصیت های شجاع، جسور و قهرمان افریقائی تبارها چون لوثر کینگ و پارکس جرقه آگاه سازی از حقوق مدنی و سیاسی را زده اند و باعث شعله ور شدن آتش خشم و انزجار و نفرت انگیز علیه سیاست های نژادپرستانه شده اند. با توجه به انگیزه های بلند مدت رخدادهائی چون قتل، جنایت و کشتار بی رحمانه سیاهان، انگیزه کوتاه مدت فعال شدن، تجدید حیات و پایداری و گسترش جنبش سیاهان را فراهم کرده اند. با وقوع جنبش و برگزاری راهپیمائی اعتراضی خود بر آن شدند تا هر گونه رفتارهای تبعیض آمیز را از بین ببرند.

منابع

۱. آقا بخشی، علی و مینو افشاری، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار
۲. اسلام تایمز، (۱۳۹۴)، نژادپرستی در امریکا از برده داری تا ترامپ، قابل دسترسی در سایت <https://www.islamtimes.ir>
۳. اسملسو، نیل، (۱۳۸۰)، تئوری رفتار جمعی، ترجمه رضا دژاکام، چاپ اول، تهران، انتشارات یافته های نوین: دووین
۴. تیلی، چارلز، (۱۳۸۵)، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
۵. پناهی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، نظریه های انقلاب: وقوع و فرایند و پیامدها، تهران، انتشارات سمت
۶. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۳)، تشدید نژاد پرستی امریکا نوجوان سیاه پوست دیگری قربانی شد، قابل دسترسی در سایت <http://www.irna.ir/fa/News/81436781>
۷. خبرگزاری دانشجویان ایران (یسنا)، (۱۳۹۴)، کشته شدن یک سیاهپوست دیگر آمریکایی در سالمرگ مایکل براون، قابل دسترسی در سایت <https://www.isna.ir/news/94051910771>
۸. خبرگزاری صدا و سیما، (۱۳۹۷)، تبعیض نژادی پلیس امریکا علیه سیاه پوستان، قابل دسترسی در سایت <http://www.iribnews.ir/fa/news/2155848>
۹. خبرگزاری فارس، (۱۳۹۳)، تاریخ نژادپرستی در امریکا، از برده داری تا قتل نوجوانان سیاهپوست، قابل دسترسی در سایت <https://www.farsnews.com/news/13931003001026>
۱۰. زاهد، سعید، (۱۳۸۹)، جنبش های اجتماعی معاصر ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش
۱۱. سمیعی اصفهانی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۶)، رویکردی جامعه شناختی به جنبش اجتماعی سیاهان در امریکا: (تحلیل ریشه، روندها و پیامدها)، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۸، تابستان، شماره ۲
۱۲. کیت، نش، (۱۳۹۱)، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، چاپ دهم
۱۳. مشرق نیوز، (۱۳۹۳)، کامیابی ها و ناکامی های جنبش سیاهان امریکا، قابل دسترسی در سایت <https://www.mashregnews.ir/news/367178>
۱۴. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش های اجتماعی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
۱۵. نقوی، سید حسین، (۱۳۸۶)، جنبش های اجتماعی جدید در عصر جهانی شدن و تاثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، پاییز و زمستان، شماره ۷
۱۶. یورو نیوز، (۲۰۱۶)، جنبش (جان سیاهان اهمیت دارد) و انتخابات امریکا، قابل دسترسی در سایت <https://fa.euronews.com/2016/08/31>
۱۷. یورو نیوز، (۲۰۱۸)، نیم قرن از قتل مارتین لوثر کینگ، رهبر مبارزه جنبش حقوق مدنی سیاهپوستان آمریکا گذشتقابل دسترسی در سایت <https://fa.euronews.com>
18. Tilly, Charles, (1977) From the mobilization to revolution. university of michigan press
19. Tilly, Charles, (1978) From mobilization to Revolution. Readings.Mass Addison. wesley